

مقاله پژوهشی

بررسی مقایسه ای میزان سازگاری کودکان دبستانی خانواده های مطلقه در شهر همدان

زهرا حبیبی*، ژیللا ساجدی**

دریافت: ۸۵/۱۰/۱۲، پذیرش: ۸۵/۱۲/۱

چکیده:

مقدمه و هدف: طلاق بعنوان یک پدیده ناخوشایند اجتماعی در اکثر جوامع مطرح است و درصد طلاق در تمام کشورهای جهان روبه افزایش است. این پدیده تاثیر عمیقی بر سلامت جسمانی و روانی کودکان و سازگاری آنان دارد و یکی از عواملی که بر میزان سازگاری آنها تاثیر می گذارد نحوه برخورد و رابطه با والدی است که کودک باوی زندگی می کند. لذا این بررسی با هدف تعیین و مقایسه میزان سازگاری کودکان دبستانی خانواده های مطلقه که با پدر یا مادر خود زندگی می کنند انجام گرفت. روش کار: این پژوهش یک بررسی توصیفی-تحلیلی است و بر روی ۲۰۴ نفر از دانش آموزان دبستانهای شهر همدان که شامل ۱۰۲ دختر و ۱۰۲ پسر از خانواده های مطلقه بود انجام شد. نمونه گیری به روش خوشه ای چند مرحله ای بود. ابزار گردآوری داده ها فرم مصاحبه با والدین براساس چک لیست رفتاری کودکان دبستانی کاسل و راسل بود. یافته های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: نتایج بدست آمده نشان داد کودکانی که پس از طلاق با مادر زندگی می کردند بطور قابل توجهی از سازگاری بهتری برخوردار بودند و بین میانگین نمرات سازگاری فردی، سازگاری اجتماعی، سازگاری در منزل و سازگاری در مدرسه و سازگاری کل شخصیت کودکانی که با مادر زندگی می کردند و کودکانی که با پدر زندگی می کردند تفاوت معنی دار وجود دارد و کودکانی که با مادر زندگی می کردند از سازگاری بیشتری برخوردار بودند.

نتیجه گیری: می توان گفت که مواظبت از کودک وظیفه ای است که توان عاطفی زیادی می طلبد، بنابراین والد سرپرست باید آن والدی باشد که کودک با او بهترین و مداوم ترین ارتباط عاطفی را دارد.

کلید واژه ها: حضانت/ سازگاری رفتاری / طلاق / کودک سن مدرسه

* دکترای تخصصی روانشناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان (Zh/Habibi@yahoo.com)

** عضو هیئت علمی گروه پرستاری کودکان دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی همدان

مقدمه:

طلاق یک پدیده ناخوشایند اجتماعی است و درصد آن در تمام کشورهای جهان روبه افزایش است (۱). در طی سه ماه اول سال ۱۳۸۲ تعداد ۱۱۴ هزار و ۵۲۱ فقره ازدواج دائم در دفاتر ازدواج سراسر کشور به ثبت رسیده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۷ درصد افزایش داشته است. طی همین مدت تعداد ۱۶ هزار و ۱۴۹ فقره طلاق در دفاتر طلاق سراسر کشور به ثبت رسیده که حاکی از افزایش ۲۹ درصدی آمار طلاق در کشور می باشد. سالانه ۶۰ هزار طلاق، هر ۱۳ ازدواج یک طلاق در کشور رخ می دهد که البته آمارها در تهران و برخی شهرهای بزرگ بسیار بالاست (۲).

مطالعات انجام شده در کشور انگلستان نیز نشان از افزایش طلاق دارد تا به آن حد که میزان طلاق در سال ۱۹۸۷ به دو برابر سال ۱۹۵۷ رسیده است. فقط در سال ۱۹۹۵ در کشور انگلستان و ولز متجاوز از ۱۶۰ هزار کودک زیر ۱۶ سال شاهد طلاق والدین خود بوده اند (۳). از آنجا که ۶۰ درصد طلاق ها همراه با وجود بچه می باشد می توان به اثرات زاینبار این پدیده اجتماعی پی برد، از هم پاشیدگی خانواده بر روی کودکان اثرات عمیقی گذاشته و رشد عاطفی و اجتماعی آنان را تحت تاثیر قرار می دهد.

در تحقیقی که توسط دانشگاه نبراسکا در لیکلن انجام گرفت فرزندان خانواده های طلاق گرفته و طلاق نگرفته از نظر مسائل روانی - عاطفی مقایسه شدند. نتایج نشان داد که کودکان خانواده های طلاق گرفته دارای مشکلات رفتاری بیشتر، افت تحصیلی و مشکلات سازگاری اجتماعی بودند و همچنین اعتماد به نفس آنها کمتر بود (۴).

اهمیت مسئله نگهداری و تربیت اطفال بر هیچ کس پوشیده نیست و این امر مورد عنایت خاص همه قانونگذاران و مصلحان اجتماعی است چه خوشبختی و پیشرفت جامعه در گرو نگهداری درست و آموزش و تربیت صحیح کودکان است.

واگذاشتن حضانت کودک به مادر در سالیهای نخستین زندگی امری طبیعی و منطقی است چه مهربانی و از خود گذشتگی مادر و مراقبت او از طفل از هر کسی بیشتر است و کودک در این سنین به مادر بیش از هر شخص دیگر نیازمند است بنابراین توجه به نکات فوق

لزوم بررسی های دقیق و موثکافانه در مورد این قبیل کودکان را آشکار می سازد.

روش کار:

این مطالعه بصورت توصیفی - تحلیلی بر روی ۲۰۴ نفر شامل ۱۰۲ دختر و ۱۰۲ پسر از خانواده های مطلقه در دبستانهای شهر همدان که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شده بودند، انجام گرفت. ابزار گردآوری داده ها فرم مصاحبه با والدین براساس چک لیست رفتاری کودکان دبستانی کاسل^۱ و راسل^۲ بود و مصاحبه با مادر یا پدر کودک انجام شد. فرم مصاحبه شامل دو بخش بود که بخش اول سوالات دموگرافیک و بخش دوم سوالات مربوط به رفتار کودک و شامل ۷۸ سوال با مقیاس لیکرت (۶ گزینه ای) که سازگاری فردی، سازگاری در منزل، سازگاری اجتماعی، سازگاری در مدرسه، سازگاری کل شخصیت را می سنجید. این پرسشنامه در سال ۱۳۷۴ توسط ساجدی ترجمه و هنجاریابی گردید که اعتبار آن به روش آلفای کرونباخ برای متغیرها در مجموع ۰/۹۱ محاسبه گردید که همسانی بالایی را در مقیاس نشان می دهد. این پرسشنامه همچنین برای تعیین روایی توسط برخی از متخصصان مورد بررسی قرار گرفت که روایی آن معادل ۰/۸۶ محاسبه و تعیین گردید (۵). جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از آزمون آماری T-test و F-Test و نرم افزار SPSS استفاده گردید.

نتایج:

در این بررسی ۲۰۴ کودک ۱۰۲ دختر و ۱۰۲ پسر خانواده های مطلقه مورد بررسی قرار گرفتند که از کل این تعداد ۶۵/۲٪ با مادر و ۳۴/۸٪ پس از طلاق با پدر زندگی می کردند. نتایج آماری این تحقیق نشان داد که بیشترین درصد آزمودنیها رتبه تولدشان بین ۴ - ۳ بوده است. این نتیجه به آن معنی است که اغلب خانواده های مورد پژوهش در زمان جدایی دارای ۳ تا ۴ فرزند بوده اند. همچنین بیشترین درصد کودکان مورد پژوهش (۵۷٪) در بدو طلاق بین سنین ۴ تا ۶ سال بوده اند که با توجه به یافته های مربوط به رتبه تولد آنان می توان نتیجه گرفت که اغلب خانواده های مورد پژوهش حداقل ۱۰ سال پس

1 - Cassel
2 - Russell

نمره سازگاری اجتماعی بترتیب ۴۳/۹۳ و ۳۶/۸۰ و میانگین نمره سازگاری در منزل بترتیب ۴۰/۸۲ و ۳۳/۲۳ و میانگین نمره سازگاری در مدرسه بترتیب ۲۷/۸۱ و ۲۱/۰۵ و میانگین نمره سازگاری کل شخصیت بترتیب ۱۹۲/۹۶ و ۱۴۹/۶۰ بوده است (جدول ۱).

از ازدواج خود متراکه نموده اند. یافته های پژوهش نشان داد تفاوت معنی دار بین کلیه سازگاریهای کودکانی که با مادر زندگی کرده اند و کودکانی که با پدر زندگی کرده اند وجود دارد بطوری که میانگین نمره سازگاری فردی کودکانی که با مادر زندگی می کنند و کودکانی که با پدر زندگی می کنند بترتیب ۴۱/۶۰۶ و ۳۰/۸۳ و میانگین

جدول ۱: مقایسه میانگین و انحراف معیار انواع سازگاری کودکان برحسب زندگی با مادر و یا پدر

Pvalue	df	T	زندگی با پدر		زندگی با مادر		گروه سازگاری رفتاری کل کودکان
			انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
P<۰/۰۰۱	۱۹۸/۶	۵/۹	۹/۵۸	۳۰/۸۳	۱۶/۰۰۷	۴۱/۶۰۶	سازگاری فردی
P<۰/۰۰۱	۱۷۳/۸۸	۳/۴۱	۱۱/۹۳	۳۶/۸۰	۱۶/۹۰	۴۳/۹۳	سازگاری اجتماعی
P<۰/۰۰۱	۱۹۳/۱۶	۴/۴۴	۹/۶۳	۳۳/۲۳	۱۴/۶۳	۴۰/۸۲	سازگاری در منزل
P<۰/۰۰۱	۱۷۳	۴/۱۴	۹/۹۶	۲۱/۰۵	۱۲/۸۴	۲۷/۸۱	سازگاری در مدرسه
P<۰/۰۰۱	۱۹۴/۹۱	۵	۴۲/۱۰	۱۴۹/۶۰	۶۷/۶۸	۱۹۲/۹۶	سازگاری کل شخصیت

اطلاعات جدول فوق نشان می دهد که تفاوت معنی دار بین کلیه سازگاریهای کودکانی که با مادر زندگی کرده اند و کودکانی که با پدر زندگی کرده اند وجود دارد.

که با مادر زندگی کرده اند در کلیه زمینه ها سازگاری بیشتری نسبت به پسرانی که با پدر زندگی کرده اند داشته اند بطوری که میانگین نمره سازگاری فردی پسرانی که با مادر زندگی می کنند و پسرانی که با پدر زندگی می کنند بترتیب ۳۶/۱۹ و ۲۸/۰۵ و میانگین نمره سازگاری اجتماعی بترتیب ۳۸/۸ و ۳۱/۸۸ و میانگین نمره سازگاری در منزل بترتیب ۳۷/۵۳ و ۳۰/۵۷ و میانگین نمره سازگاری در مدرسه بترتیب ۲۴/۱۰ و ۱۷/۸۶ و میانگین نمره سازگاری کل شخصیت بترتیب ۱۷۱/۹۸ و ۱۳۵/۱۳ بوده است. تفاوت بین دو گروه معنی دار بوده است. (جدول ۲).

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که نمره سازگاری دخترانی که با مادر زندگی می کردند بیشتر از دخترانی است که با پدر زندگی می کردند بطوری که میانگین نمره سازگاری فردی دخترانی که با مادر زندگی می کنند و دخترانی که با پدر زندگی می کنند بترتیب ۴۶/۵۵ و ۳۴/۰۶ و میانگین نمره سازگاری اجتماعی بترتیب ۴۸/۵۲ و ۴۲/۳۵ و میانگین نمره سازگاری در منزل بترتیب ۴۳/۸۸ و ۳۶/۳۰ و میانگین نمره سازگاری در مدرسه بترتیب ۳۱/۲۴ و ۲۴/۸۴ و میانگین نمره سازگاری کل شخصیت بترتیب ۲۱۲/۱۱ و ۱۶۶/۷۸ بوده است. همچنین پسرانی

جدول ۲: مقایسه میانگین و انحراف معیار انواع سازگاری رفتاری واحدهای مورد پژوهش برحسب زندگی با مادر و زندگی با پدر

انواع سازگاری	گروه	با مادر زندگی می کنند		با پدر زندگی می کنند	
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
سازگاری فردی	دختر	۱۳/۰۶	۳۴/۰۳	۱۰/۶۲۳	۳۴/۰۳
	پسر	۱۷/۲۳	۲۸/۰۵	۷/۶۷	۲۸/۰۵
سازگاری در منزل	دختر	۱۱/۲	۳۶/۳۰	۹/۸۲	۳۶/۳۰
	پسر	۱۷/۰۸	۳۰/۵۷	۸/۷۴	۳۰/۵۷
سازگاری اجتماعی	دختر	۱۳/۷۱	۴۲/۳۵	۱۲/۵۱	۴۲/۳۵
	پسر	۱۸/۶۷	۳۱/۸۸	۹/۰۰۹	۳۱/۸۸
سازگاری در مدرسه	دختر	۱۰/۸۴	۲۴/۸۴	۱۲/۰۵	۲۴/۸۴
	پسر	۱۳/۸۶	۱۷/۸۶	۶/۳۸	۱۷/۸۶
سازگاری کل شخصیت	دختر	۲۱۲/۱۱	۵۲/۴۱	۴۲/۱۰	۱۶۶/۷۸
	پسر	۱۷۱/۹۸	۷۶/۲۳	۳۶/۷۳	۱۳۵/۱۳

T=5 df=194/91 p<0/001

اطلاعات جدول فوق نشان می دهد که دختران و پسرانی که با مادر زندگی کرده اند در کلیه سازگاریها دارای میانگین نمرات بیشتری بوده اند و اختلاف معنی دار آماری بین میانگین نمرات وجود دارد.

بحث:

نتایج آماری این تحقیق نشان داد که اغلب خانواده های مورد پژوهش در زمان جدایی دارای ۳ تا ۴ فرزند بوده اند. همچنین بیشترین درصد کودکان مورد پژوهش (۵۷٪) در بدو طلاق بین سنین ۶-۴ سال بوده اند که با توجه به یافته های مربوط به رتبه تولد آنان می توان نتیجه گرفت که اغلب خانواده های مورد پژوهش حداقل ۱۰ سال پس از ازدواج خود متارکه نموده اند. نتیجه ای که برخی پژوهشهای پیشین نیز صریحاً به آن اشاره کرده اند از جمله طاهری (۱۳۶۶) اعلام نمود که بطور متوسط زوجهای بچه داری که طلاق می گیرند حدود ده سال با هم زندگی کرده اند (۶). توجه به این امر حائز اهمیت فراوان است و به نظر می رسد که خانواده های دارای مشکل را باید هر چه زودتر شناسایی کرده و تحت حمایت بیشتری قرار داد و قبل از آنکه پیوند زندگیشان پس از سالها زندگی مشترک قطع گردد کمک و راهنمایی های لازم را در اختیارشان قرار داد. در این صورت شاید بتوان از لطمات زیادی که به کودکان این قبیل خانواده ها وارد می آید پیشگیری نمود.

نتایج آماری این تحقیق همچنین نشان داد که بیشترین درصد کودکان مورد مطالعه (۶۵/۲٪) پس از جدایی والدین تحت سرپرستی مادر بوده اند. این امر در حالی است که قانون مدنی کشور ما به پدران در مورد نگهداری از فرزندان خردسال اختیارات قانونی و حقوقی بیشتری داده است. لازم به ذکر است که بعضی کودکان مورد مطالعه بدلیل عدم صلاحیت پدر از جمله مشکل اعتیاد و غیره نزد مادر خود زندگی می کنند. و در پاره ای موارد مادر داوطلب نگهداری از فرزند (فرزندان) شده و پدر نیز با این پیشنهاد موافقت کرده است. این نتایج می تواند بیانگر این حقیقت باشد که احتمالاً خود پدران فرض را بر این می گذارند که مادران بهتر از آنان می توانند به مراقبت و پرورش کودکان بپردازند.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد که بین میانگین نمرات سازگاری فردی، سازگاری اجتماعی، سازگاری در منزل و مدرسه و سازگاری کل شخصیت کودکان دبستانی که با مادر زندگی می کردند و کودکانی که با پدر زندگی می کردند تفاوت وجود داشت و میانگین نمرات کلیه سازگاریها در کودکانی که با مادر زندگی می کردند در مقایسه با کودکانی که با پدر زندگی می کردند بیشتر

بوده است. در مطالعه ای که توسط وستر^۱ (۱۹۹۷) انجام شده نتایج نشان داد کودکانی که پس از طلاق با مادران زندگی کرده اند از رابطه اجتماعی بیشتری برخوردار بوده اند و پیشرفت تحصیلی، موفقیت های آموزشی و بالاخره سازگاری در مدرسه در آنها بیشتر بوده است (۷). نتایج این تحقیق با مطالعات کریمی در سال ۱۳۷۴ مطابقت دارد وی از تحقیق خود نتیجه گرفت که کودکانی که با مادر زندگی می کنند از رشد اجتماعی و عاطفی بیشتری نسبت به کودکانی که با مادر خود زندگی نمی کنند برخوردارند (۸) و می توان استدلال کرد که نقش مادر در شکل گیری روابط متقابل با دیگران بسیار مؤثر است. همچنین بین میانگین نمرات سازگاری دخترانی که با مادر و یا پدر زندگی می کردند تفاوت وجود داشت و میانگین نمرات کلیه سازگاریها در دخترانی که با مادر زندگی می کردند در مقایسه با دخترانی که با پدر زندگی می کردند بیشتر بوده است. این یافته با نتایج تحقیقات آرو^۲ (۱۹۹۹) همخوانی دارد زیرا وی نتیجه گرفت از دست دادن مادر در دوران کودکی بیش از ازدست دادن پدر زیان آور است (۹). علیرغم دیدگاه بعضی از روانشناسان از جمله فروید که معتقدند که دختران معمولاً رابطه بهتری با پدر خود برقرار می نمایند تا پسران اما نتایج پژوهش نشان داد که سازگاری دخترانی که با مادر زندگی می کردند بیشتر بوده است (۸).

این یافته با نتایج تحقیقات احمدی ۱۳۷۳ که نشان داد دخترانی که با مادر زندگی میکنند از نظر سازگاری با همکلاسان و معلمین بهتر عمل کرده و موفقیت های آموزشی آنها بیشتر بوده است، نیز همخوانی دارد (۱۰). اما نتایج بررسی همچنین نشان داد که بین میانگین نمرات سازگاری پسرانی که با مادر و یا پدر زندگی می کردند تفاوت وجود داشت و میانگین نمرات کلیه سازگاریها در پسرانی که با مادر زندگی می کردند در مقایسه با پسرانی که با پدر زندگی می کردند بیشتر بوده است. اگرچه در ابتدا نتایج پژوهش حاضر با یافته های بیلر^۳ (۱۹۷۱) متناقض بنظر می رسد که نشان داد پسرانی که در سنین پائین تر بدون پدر، بزرگ می شوند، پرخاشگر هستند (۱۱). ولی نتایج بعضی پژوهش ها نیز

1. Wester
2. Aro
3. Biler

۵. ساجدی ژیلا. بررسی مقایسه ای میزان سازگاری کودکان شب ادرار و غیر شب ادرار در دبستانهای شهر همدان سال ۱۳۷۴. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۶. طاهری فرزانه. طلاق از دید فرزندان. تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶.
7. Wester K. Parental divorce and intimate relationships of young adults. *Psychol – Rep* 1997; 80 (3) : 923 – 9 .
۸. کریمی یوسف. روانشناسی شخصیت. انتشارات نشر ویرایش، ۱۳۷۴.
9. Aro HM. Parental divorce ، adolescence and transition to young adulthood . *American journal of ortho psychiatry* 1999 ; 62 (3) : 421 – 9.
۱۰. احمدی احمد. مسائل نوجوانان و جوانان. انتشارات مشعل، ۱۳۷۳.
11. Biller HB. *Father Power* . New york ، Doubleday Garden city ، 1971 .
۱۲. مکوندی بهنام. مقایسه سازگاری دانش آموزان پسر شاهد با دانش آموزان پسر واجد و فاقد پدر در مدارس ابتدایی اهواز . پژوهش های روانشناختی شماره ۷ ، ۱۳۷۵ .
- در مجموع نشان داده است که بین دانش آموزان دارای پدر و فاقد پدر از نظر سازگاری تفاوت معنی داری دیده نشده است (۱۲) .
- نتیجه نهائی :**
- اینگونه به نظر می رسد که کودکانی که با مادران خود زندگی کرده اند از سازگاری بیشتری برخوردار بوده اند لذا بهتر است که تلاش های موثری در زمینه های حقوقی صورت گیرد تا مادران از حقوق بیشتری در ارتباط با نگهداری فرزند برخوردار شوند .
- منابع :**
۱. شهید مطهری مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام. چاپ نهم تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹ .
۲. توسکی احسان . افزایش ۲۹ درصدی آمار طلاق در کشور . روزنامه همشهری ، سال پنجم ، شماره ۱۳۹۸، دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۷۶ .
3. Haskey J. Children who experience divorce in Their family . *popul – Trends* . 1997 ; 87 : 5 – 10 .
4. Amato PR. Life – Span adjustment of children to their parents Divorce . *Future – child* 1994 ; 4(1) : 143 – 64 .